

## محاکمه کارگران و اعضای تحریریه نشریه گام، یک رسوایی دیگر برای رژیم



پاسداران نظم کهنه و ارتجاعی، همواره در طول تاریخ مایوسانه کوشیده‌اند با توسل به بی‌رحمانه‌ترین ابزارهای سرکوب و کشتار، زندان، شکنجه و اعدام علیه نیروهای تحول طلب و ترقی‌خواه، در برابر سیر بالنده تاریخ ایستادگی کنند و نظمی را که دورانش سپری شده است، نجات دهند. بورژوازی حاکم بر ایران که با انقلاب سال ۵۷ آخرین امید خود را به حفظ نظم موجود از دست رفته می‌دید، چاره دیگری جز این ندید که برای فرونشاندن طغیان بنیان‌کنی که به شالوده‌های نظم موجود یورش برده بود، به کالبد بیجان و فسیل‌شده دستگاه مذهبی جانی تازه بدمد و این مظهر کهنه‌پرستی و ارتجاع را

در صفحه ۳

## "اصلاح بودجه" با چه هدفی و در خدمت چه کسانی است؟

در صفحه ۱۰

## مجاهدین خلق و مشتی شعار توخالی تکراری و خودفریبی

نشست سالانه مجاهدین خلق تحت عنوان "ایران آزاد" از ۲۲ تا ۲۴ تیر ۹۸ به مدت سه روز در "اشرف ۳" قرارگاه مجاهدین واقع در حومه تیرانا پایتخت آلبانی برگزار گردید. در اجلاس اخیر مجاهدین و شورای ملی مقاومت آن‌ها که مانند اجلاس‌های پیشین بسیار پُر زرق و برق و پُر هزینه بود و مجاهدین نیز سروصدای زیادی پیرامون آن به راه انداختند، آن‌طور که سایت مجاهدین اعلام کرد، "صدها تن از شخصیت‌های

در صفحه ۵



## پرونده‌های فساد یا پرونده‌های "اختلافات خانوادگی" سران رژیم

گرچه افشای پرونده‌های فساد یا انتشار اندکی از جزئیات این پرونده‌ها در "محاکمه"های نمایشی قوه قضاییه جمهوری اسلامی، مانند صفحه حوادث، به جزئی از اخبار روزنامه‌ها و رسانه‌ها بدل شده است، اما گاهی اوقات مانند تیر ماه امسال، تعدد این خبرها و ارقام نجومی اختلاس و فساد پرونده‌ها همچنان هم شوکه‌آورند و هم دردناک. دردناک، زیرا گویای گستره سوداگری و فساد در عرصه‌های گوناگون از جمله دارو و درمان هستند که سلامت و مرگ و زندگی انسان‌ها به آن وابسته است.

در صفحه ۶

## تشدید تنش میان دولت های ایران و آمریکا تا به کجا؟

تنش های موجود میان جمهوری اسلامی و آمریکا طی هفته ای که گذشت نه تنها کاهش نیافت، بلکه وضعیت موجود در پی توقیف یک نفتکش انگلیسی توسط نیروهای نقابدار مسلح سپاه پاسداران در آب های عمان به شدت بحرانی تر هم شده است. کشیده شدن پای انگلیس به بحران موجود، افزایش تنش در خلیج فارس و ناامن شدن شرایط کشتی رانی در تنگه هرمز در شرایطی صورت گرفته است که طی روزهای اخیر، هم مسئولان جمهوری اسلامی و هم دولت آمریکا دست کم از نظر کلامی نسبت به یکدیگر با زبان ملایمتری سخن گفته اند. ترامپ و مایک پُمپئو، وزیر خارجه آمریکا اینروزها با تاکیدات بیشتری روی مذاکره حرف می زنند. دیدار محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با "رند یال" سناتور جمهوری خواه ایالت کنتاکی در نیورک با موافقت ترامپ و نیز گفتگوی ظریف با خبرنگاران خارجی در نیویورک که پیشنهاد دایمی شدن پروتکل الحاقی در مورد ایران را پیش از سال ۲۰۲۳ مطرح کرده و در عوض خواسته که آمریکا هم در مقابل آن، تحریم ها علیه جمهوری اسلامی را لغو کند، بخشی از همین روند ملایم شدن زبان طرفین است.

با این همه و به رغم اینکه زبان و ادبیات طرفین نزاع طی دو هفته اخیر نسبت به هم تاحدودی آرامتر شده است، اما بحران موجود خصوصا با وضعیتی که اکنون برای انگلیس پیش آمده است، در کل شتاب بیشتری گرفته است. اعلام ترامپ در ساقط کردن یک پیمان جمهوری اسلامی در آب های بین المللی خلیج فارس، توقیف کشتی های نفتکش انگلیسی و اماراتی توسط سپاه پاسداران در تنگه هرمز، تمدید زمان کشتی توقیف شده ایران در جبل الطارق برای یک ماه دیگر و نیز اعمال تحریم های جدید آمریکا علیه چند شرکت مرتبط با پروژه هسته ای و موشکی ایران و به طور اخص توقیف کشتی تجاری انگلیس توسط نیروهای مسلح و نقابدار سپاه پاسداران از جمله مواردی هستند که طی هفته گذشته به شدت بر آن آرامش زبانی سایه افکنده و بر پیچیدگی اوضاع و تشدید باز هم بیشتر بحران موجود اثر گذار بوده اند.

اقدامات تهدیدآمیز سپاه پاسداران در تنگه هرمز، اگرچه از ماه ها پیش و در پی تحریم کامل نفت جمهوری اسلامی توسط دولت آمریکا

در صفحه ۲

## تشدید تنش میان دولت های ایران و آمریکا تا به کجا؟

سازماندهی شده بودند، اما سخنان اخیر خامنه ای به منزله دستوری برای نیروهای سپاه پاسداران بود تا تهدیدات خود را در سطح منطقه و خصوصا در آب های خلیج فارس عملیاتی کنند. خامنه ای روز سه شنبه ۲۵ تیر (۱۶ ژوئیه) در دیدار به ائمه جمعه سراسر کشور ضمن اشاره به توقیف چند هفته پیش کشتی حامل نفت ایران در آب های جبل الطارق، بریتانیا را به دزدی دریایی متهم کرد و گفت: "انگلیس خبیث دزدی دریایی می کند و کشتی ما را می دزدد، جنایت می کند و شکل قانونی به آن می دهد". خامنه ای در ادامه با تاکید بر اقدامات مقابله به مثل هشدار داد: "جمهوری اسلامی و عناصر مومن نظام، این خبیثت ها را بی جواب نمی گذارند. در فرصت خود و جای خود پاسخ خواهند داد."

خامنه ای زمانی این سخنان هشدارآمیز را داد که یک روز قبل از آن، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با خبرنگاری صدا و سیما اعلام کرده بود، یک نفتکش خارجی به علت نقص فنی توسط پدک کش ها و برای تعمیرات به لنگرگاهی در آب های ایران کشیده شده است. اعلام این خبر توسط جمهوری اسلامی در شرایطی صورت گرفت، که پیش از آن رسانه های خارجی گزارش داده بودند نفتکشتی به نام "ریاح" توسط قایق های سپاه پاسداران توقیف شده است. خبری که دو روز بعد، سپاه پاسداران با انتشار بیانیه ای اعلام کرد، یک شناور خارجی را که حامل یک میلیون لیتر "سوخت فاجاق" بوده است، همراه با ۱۲ خدمه آن در جنوب جزیره لارک در تنگه هرمز بازداشت و به مقامات قضایی تحویل داده است. نفت کشی که متعلق به یک شرکت سنگاپوری بوده، تحت پرچم پاناما حرکت می کرده و علاوه بر این شرکتی در امارات هم در مدیریت آن نقش داشته است.

اقدامات تهدیدآمیزی از این دست، اما تمام ماجرا نبودند. سه روز بعد از سخنان خامنه ای، رسانه ها از توقیف یک نفتکش انگلیسی با ۲۳ خدمه از ملیت های مختلف در تنگه هرمز خبر دادند. بعد از انتشار این خبر، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران روز جمعه با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد: "عصر امروز (۲۸ مرداد) یک نفتکش بریتانیایی به نام "استینا امیرو" هنگام عبور از تنگه هرمز به علت رعایت نکردن قوانین و مقررات بین المللی دریایی بنا به درخواست سازمان بنادر و دریانوردی استان هرمزگان، توسط یگان شناوری منطقه یکم نیروی دریایی سپاه توقیف شد". به دنبال این توقیف، تجهیزات ردياب این نفتکش نیز از عصر روز جمعه خاموش شده اند. همزمان با اقدامات فوق، برخی گزارش ها نیز حاکی از آن بود که در روز جمعه نفتکش دیگری هم به نام "مصدر" در خلیج فارس با چرخشی تند به سمت

بندر لنگه ایران تغییر مسیر داد. نفتکشی که تحت مالکیت بریتانیا و با پرچم لیبیا در حال عبور از تنگه هرمز بود. این نفتکش نیز تا ساعت ها ارتباط آن با مرکز هدایت شوند قطع شده بود، اما پس از چندی اعلام گردید که ارتباط با کشتی دوباره برقرار شده، خدمه آن "ایمن و سالم هستند" و کشتی مجدداً به مسیر از پیش تعیین شده خود بازگشته است.

با اقدامات انجام شده توسط نیروهای سپاه پاسداران، خصوصاً توقیف نفتکش انگلیسی، اکنون تنش های موجود از دایره دولت های ایران و آمریکا بسی فراتر رفته و به شکل فزاینده ای پای کشورهای منطقه حاشیه خلیج فارس، انگلیس، اروپا، ژاپن و دیگر کشورهای دارای تردد کشتی رانی در آبراه بین المللی تنگه هرمز نیز به درون این بحران کشیده شده اند.

جرمی هانت، وزیر خارجه انگلیس عملیات سپاه پاسداران را یک اقدام "مقابله به مثل" در مقابل کشتی توقیف شده جمهوری اسلامی در جبل الطارق خواند و با تاکید بر اینکه "ما به گزینه نظامی نگاه نمی کنیم، بلکه در حال بررسی راهی دیپلماتیک برای حل این موضوع هستیم"، گفت: "ما کاملاً واضح می گوئیم که اگر این وضعیت فوراً حل نشود، پیامدهای جدی خواهد داشت". دونالد ترامپ این اقدام جمهوری اسلامی را به عنوان خشونت و تشدید تنش محکوم کرد و بر "ادامه همکاری آمریکا با متحدان و شرکایش برای دفاع از امنیت و منافع علیه رفتار بدخواهانه ایران" تاکید کرد. سنتکام، فرماندهی مرکزی آمریکا نیز با انتشار بیانیه ای از تلاش های چند ملیتی به منظور افزایش عملیات تجسس و امنیتی در آبراه های حساس خلیج فارس خبر داد و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز در بیانیه ای توقیف کشتی بریتانیایی توسط جمهوری اسلامی را محکوم و آن را ناقض آزادی کشتیرانی بین المللی خوانده است. فرانسه و آلمان نیز در یک موضع گیری آشکار اقدام جمهوری اسلامی را محکم کرده و خواهان آزادی فوری کشتی توقیف شده انگلیس شده اند.

اقدامات تهدیدآمیز جمهوری اسلامی در شرایطی رخ داده است که از چند وقت پیش ترامپ اعلام کرده بود در صدد ایجاد یک اجماع جهانی برای حفظ امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز است. اکنون، او این وضعیت پیش آمده را برای خود غنیمت شمرده و بر تلاش های دیپلماتیک دولت آمریکا برای تحقق این امر افزوده است. تماس های فشرده مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا با انگلیس، عربستان، بحرین و ژاپن بخشی از تلاش های دیپلماتیک دولت آمریکا جهت تامین منابع مالی و نیروی نظامی این ائتلاف است که این روزها شدت گرفته است. اکنون با پیچیده تر شده اوضاع که شرایط به مراتب سخت تری را برای جمهوری اسلامی رقم زده است، پرسش اساسی

اما این است که بحران موجود تا کجا پیش خواهد رفت؟ چه راه حلی برای آن متصور است؟ و در نهایت با انجام اقداماتی از این دست بهبودی در وضعیت جمهوری اسلامی ایجاد خواهد شد؟

در پی توقیف نفتکش انگلیسی و دیگر اتفاقاتی که طی روزهای اخیر در اطراف تنگه هرمز رخ داد، در ظاهر امر به نظر می رسد که بحران موجود میان دولت های ایران و آمریکا موقتا به حاشیه رفته و در عوض خبرهای تشدید نزاع میان جمهوری اسلامی و دولت بریتانیا برجسته شده است. پوشیده نیست که نزاع کنونی میان دولت های ایران و انگلیس نه تنها جدای از بحران طولانی مدت جمهوری اسلامی و آمریکا نیست، بلکه ادامه آن و حتا بخشی از همان تنش های موجود میان دولت های ایران و آمریکا است، که اکنون به دایره ای فراتر از آن کشیده شده است. بحرانی که اکنون در مسیر شکل گیری یک اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی کلید خورده و شرایط را برای هیئت حاکمه ایران از آنچه تاکنون بوده برایش باز هم دشوارتر کرده است.

بعد از توقیف نفتکش بریتانیایی "استینا امیرو"، جرمی هانت، وزیر امور خارجه انگلیس، در رایزنی های اولیه ای که با جواد ظریف داشته از روند مذاکرات به شدت احساس "نامیدی" کرده است. در همین حال دفتر نمایندگی بریتانیا نیز در سازمان ملل طی ارسال نامه ای به شورای امنیت نوشته است، که نیروهای جمهوری اسلامی در آب های سرزمینی عمان به نفتکش انگلیسی نزدیک شدند که "معادل مداخله غیر قانونی" است. در کنار این اقدامات دیپلماتیک، روزنامه های بریتانیایی از جمله دیلی تلگراف گزارش داده اند که وزیران دولت در حال بررسی راه اعلام مجموعه تحریم های دیپلماتیک و اقتصادی تازه ای علیه جمهوری اسلامی هستند که می تواند شامل توقیف اموال این کشور در بریتانیا باشد. علاوه بر این ها، رایزنی هایی هم با اتحادیه اروپا برای بازگشت پاره ای از تحریم های لغو شده در توافق برجام در حال انجام است.

در کنار تحرکات این چنینی دولت انگلیس، دونالد ترامپ و مایک پمپئو همچنان بر راه حل دیپلماتیک تاکید کرده اند و در رفتارهای تبلیغاتی خود مذاکره با جمهوری اسلامی را بهترین راه حل منازعات موجود میان خود و جمهوری اسلامی اعلام کرده اند. با این همه و به رغم پافشاری ترامپ بر مذاکره با حکومت ایران، دولت آمریکا تا این لحظه هرگز بر شرط جمهوری اسلامی مبنی بر لغو تحریم ها برای ورود به میز مذاکره واقعی نگذاشته و همچنان بر افزایش تحریم ها و اعمال فشارهای حداکثری بر جمهوری اسلامی جهت تغییر رفتار این رژیم در عرصه سیاست خارجی و برنامه های موشکی آن پای فشرده اند. پوشیده نیست که این وضعیت نه جنگ و نه صلح در دراز مدت نمی تواند ادامه یابد. تحریم های آمریکا همچنان در حال

## محاکمه کارگران و اعضای تحریریه نشریه گام، یک رسوایی دیگر برای رژیم



"طراحی سوخته" ضربه‌ای را که از جنبش کارگران نیشکر هفت‌تپه خورده است، جبران خواهد کرد و نماینده کارگران را بی‌اعتبار خواهد ساخت. نتیجه اما خلاف آن چیزی بود که دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم انتظارش را داشت. شکست طرح رسوای وزارت اطلاعات و افشاکری اسماعیل بخشی در مورد بازجویی‌های زیر شکنجه، چنان خشم ارتجاع را برانگیخت که دستگاه امنیتی رژیم بار دیگر در ۳۰ دی‌ماه، اسماعیل بخشی را به‌همراه سپیده قلیان، بازداشت کرد. پیش‌از این، امیرامیرقلی، ساناز الهیاری، امیرحسین محمدی فرد، از اعضای تحریریه نشریه گام که از مبارزات کارگران حمایت کرده بودند، در اواخر دی‌ماه بازداشت شده بودند.

اکنون شش ماه از اسارت این مبارزان در چنگال ارتجاع حاکم می‌گذرد. در این فاصله دستگاه امنیتی رژیم، فشارهای متعددی را در زندان‌های مختلف به آن‌ها وارد آورده است. سپیده قلیان آنچه را در این شش ماه بر آن‌ها گذشته است چنین نوشت: "دنیای زندان دنیای بی‌خبری است! اکنون که زندانی این تبعیدگاه ضد انسانی هستم، آنچه از روزهای انتهایی آبان سال گذشته تا امروز بر سرم آمده است را مرور می‌کنم. بازداشت غیرانسانی، شکنجه، بهتان، انفرادی، پخش اعترافات اجباری، ضرب و شتم و بازداشت خود و اعضای خانواده، زندان، از زندان به زندان، و از زندانی به زندانی دیگر."

اما مقاومت و اعتراض در زندان نیز ادامه یافته است. ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد، در اعتراض به اقدامات ضد انسانی جمهوری اسلامی و برای آزادی بازداشت‌شدگان مرتبط با مبارزات کارگران نیشکر هفت‌تپه، از ۱۳ تیرماه، به اعتصاب غذا متوسل شدند. اعتصاب غذای امیرحسین محمدی فرد، هنوز هم ادامه دارد. رژیم به‌منظور تشدید فشار، ارتباط این زوج و خانواده‌های آن‌ها را قطع کرد. به‌رغم این‌که وضعیت جسمانی این دو مبارز، وخیم است، نه‌تنها هیچ پاسخی به آن‌ها نداد، بلکه حتی از پذیرش امکانات دارویی برای آن‌ها سرباز زد. خانواده‌های این زندانیان را نیز تحت‌فشار شدیدی قرار داد. عوامل وزارت اطلاعات حتی پدر ساناز را که برای ملاقات دخترش رفته بود با اتومبیل مورد حمله قرار دادند و دست وی را شکستند. اما با تمام این فشارها، خانواده‌های زندانیان از تلاش برای آزادی آن‌ها دست برنداشتند. تجمعات اعتراضی در بیرون زندان و در مقابل زندان اوین برای آزادی تمام زندانیان پرونده هفت‌تپه ادامه یافت. روز ۲۶ تیرماه، جمعی از دوستان و خانواده‌های بازداشت‌شدگان، مقابل زندان اوین تجمع کردند.

شرکت‌کنندگان در این تجمع با در دست گرفتن عکس‌هایی از اسماعیل بخشی، امیرامیرقلی، ساناز الهیاری، امیرحسین محمدی فرد و سپیده قلیان حمایت خود را از آنها اعلام کردند. گروه‌های مختلفی از کارگران، دانشجویان، زنان و روشنفکران با بازداشت‌شدگان اعلام همبستگی کرده‌اند. کارگران مجتمع نیشکر به اشکال مختلف حمایت خود را از اسماعیل بخشی اعلام کرده‌اند. تهدید و فراخواندن تعدادی از کارگران به دادگاه، به‌مقصد ایجاد جو ترس و هراس، کارساز نبوده است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی

در صفحه ۴

مخالفان نظم موجود را دستگیر و به حبس‌های سنگین در اسارتگاه‌های قرون‌وسطایی خود به بند کشیده، یا به جوخه‌های اعدام سپرده است، با این پندار خام که با این وحشی‌گری، موج مبارزه را مهار کند. اما دوران گذشته سپری شده است و روش‌های گذشته جواب نمی‌دهد. به‌رغم این‌که زندان‌های رژیم انباشته از مخالفان نظم موجود است، اما پایانی بر مبارزه توده‌های وسیع مردم ایران نیست. کارگران و فعالان سوسیالیست جنبش طبقاتی کارگران در پیشاپیش این مبارزه قرار دارند. در طول چند سال اخیر صدها تن از کارگران بازداشت‌شده‌اند. گروهی با وثیقه‌های سنگین فعلاً آزاد شده، گروهی به حبس و شکنجه قرون‌وسطایی شلاق محکوم‌شده‌اند و گروهی بلاتکلیف ماه‌ها و سال‌ها در زندان به سر می‌برند.

اخبار انتشار یافته حاکی است که ارتجاع هار در تدارک برگزاری بی‌دادگاهی دیگر در نیمه اول مردادماه برای محاکمه گروهی از کارگران و جوانان دانشجو و روزنامه‌نگاران است که در مبارزات قهرمانانه سال گذشته کارگران نیشکر هفت‌تپه نقشی فعال بر عهده داشتند و یا با انتشار اخبار و گزارش‌های این مبارزات، از آن حمایت کردند. در میان این گروه دو شخصیت برجسته جنبش کارگری قرار دارند. اسماعیل بخشی کارگر شجاعی که دفاع قهرمانانه او از منافع کارگران لرزه براندام طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران انداخت و علی‌نجاتی یکی از بنیان‌گذاران سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه.

اسماعیل بخشی روز ۲۷ آبان ماه سال گذشته هم‌زمان با چهاردهمین روز اعتصاب کارگران این شرکت به همراه سپیده قلیان و عسل محمدی از روزنامه‌نگاران حامی کارگران بازداشت شد و تا روز ۲۱ آذرماه که آزاد شد، تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفت. در همین حال، علی‌نجاتی، عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز، ۸ آذرماه ۱۳۹۷ بازداشت شد و ۸ بهمن‌ماه به دلیل وضعیت پزشکی به قید وثیقه تا زمان برگزاری محاکمه آزاد شد. عسل محمدی، یکی دیگر از اعضای تحریریه نشریه "گام"، نیز که از ۱۳ آذر ۱۳۹۷ بازداشت‌شده بود در ۱۵ دی به قید وثیقه آزاد شد.

رژیم بر این پندار خام بود که با شوی تلویزیونی

به‌عنوان متحد خود از اعماق قرون‌وسطا به پاری طلبد تا با شیوه‌های قرون‌وسطایی، با دشمنان نظم حاکم، تسویه‌حساب کند. دستگاه دینی، این پس‌مانده جهل و خرافات عصر جاهلیت و دولت دینی نمادی از وحشی‌گری قرون‌وسطایی، رسالتی جز این نداشت که با کشتار و سرکوب، استبداد و اختناق، حاکمیت خدا و رسول خدا را که چیزی جز پوششی جدید بر حاکمیت سرمایه نبوده، برپا دارد و عجلاناً بر دشمنان نظم مستقر، غلبه کند. هزاران تن از مخالفین به جوخه‌های اعدام سپرده شدند و ده‌ها هزار تن به بند کشیده شدند، تا نظم ارتجاعی موجود را نجات دهند و تحولی را که جبر تاریخ است، متوقف سازند. اما پیروزی ارتجاع، یک‌لحظه در مقیاس تاریخی بیش نبود. با سرکوب و کشتار ممکن نبود نظمی را که به مرحله انحطاط و پوسیدگی رسیده است، نجات داد. بحران‌هایی که بازتاب پوسیدگی نظم سرمایه‌داری موجودند، مدام عمیق‌تر شدند. ورشکستگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیش از همیشه، آشکار شد و این ورشکستگی و انحطاط، هنگامی به اوج خود رسید که حاکمیت الله بر روی زمین فاسدترین حکومت جهان از کار درآمد و بوی گند و کثافت فساد و دزدی‌های تمام پاسداران آن همه جا را فراگرفت. نظمی که به این درجه از گندیدگی و انحطاط رسیده باشد، هیچ جایگاهی مناسب‌تر از زباله‌دانی تاریخ برای آن متصور نیست.

از مدت‌ها پیش آشکار شده است که رشد تضادها و بحران‌های نظم کنونی به آن نقطه رسیده است که دیگر وحشی‌گری و سرکوب کارساز نیست. چرا که هر سرکوب و مقاومت ارتجاع، موج وسیع‌تر و تهدیدکننده‌تری از مبارزه را برای در هم شکستن سد مقاومت ارتجاع به حرکت درمی‌آورد. کافی است اشاره شود که تنها در طول دو سال اخیر، صدها اعتصاب، تظاهرات، راهپیمایی و تجمع اعتراضی کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان، روشنفکران، شورش‌ها و قیام‌های تهدیدستان و جوانان بیکار، ضرباتی مداوم و پی‌درپی بر این نظم پوسیده و رژیم ارتجاعی پاسدار آن وارد آورده است.

ارتجاع طبقاتی- مذهبی حاکم که راه نجاتی از بن‌بست انحطاط و ورشکستگی ندارد، گروهی

## تشدید تنش میان دولت های ایران و آمریکا تا به کجا؟

فزونی هستند. اکنون با کشیده شدن پای انگلیس و پیامد آن ورود اتحادیه اروپا به این بحران، تحریم ها نیز وسعت بیشتر خواهند یافت. جمهوری اسلامی با اقداماتی که طی هفته گذشته انجام داد، به نظر می رسد همه تخم مرغ های نمایش قدرت خود را در آبراه تنگه هرمز ریخته است. اقداماتی که در دراز مدت نه تنها فواید در خوری برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت، بلکه با جمع شدن مجموعه شرایطی که اکنون علیه هیئت حاکمه ایران در حال تکوین است، اوضاع برای جمهوری اسلامی از آنچه هست باز هم وخیمتر هم خواهد شد. حال اگر آنگونه که همه طرف های درگیر به دفعات اعلام کرده و می کنند که خواهان جنگ و درگیری نظامی نیستند، و باز هم اگر ببینیم که این بحران به دلیل شرایط وخیمی که جمهوری اسلامی در آن قرار دارد، نمی تواند به مدت طولانی ادامه یابد، پس فقط یک راه باقی می ماند و آنهم مذاکره است. پوشیده نیست جمهوری اسلامی بدون بکارگیری تمامی اهرم های قدرت و فشاری که در اختیار دارد، هرگز پای میز مذاکره نخواهد رفت. مضافاً اینکه سیاست پایه ای جمهوری اسلامی بر کش دادن ماجرا تا انتخابات بعدی آمریکاست. بدان امید که شاید ترامپ برود و با آمدن یک رئیس جمهور دمکرات شرایط بهتری برایش فراهم گردد. در این میان اما جمهوری اسلامی با دو تنگنای بزرگ مواجه است که فرصت طولانی شدن بحران موجود را از او گرفته است. نخستین تنگنا، محدودیت زمانی است. اگرچه یک سال است که آمریکا از برجام خارج شده است، اما از لغو معافیت هشت کشور خریدار نفت ایران و تحریم کامل صدور نفت تقریباً سه ماه گذشته است. طی همین مدت وضعیت جمهوری اسلامی آنچنان وخامت بار شده است که حسن روحانی شرایط کنونی را از وضعیت سال های جنگ هم به مراتب سختتر اعلام کرده است. تا انتخابات بعدی ریاست جمهوری آمریکا یک سال و نیم مانده است. روشن است که ادامه این وضعیت تا یک سال و نیم دیگر برای جمهوری اسلامی "سم" است که با انتخاب مجدد ترامپ، از "سم مضاعف" هم بدتر خواهد شد. تنگنای دوم که مهمتر از اولی است، نارضایتی توده های مردم ایران است که از دیماه ۹۶ به این سو وارد فاز نوینی از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی شده اند. پوشیده نیست که با عمیق تر شدن این دو تنگنا خصوصاً رشد و تعمیق مبارزات کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران، جمهوری اسلامی نیز بر اساس ماهیت طبقاتی خود، که حفظ نظام برای طبقه حاکم و نظام پاسدار سیاسی آن از علو واجبات است، برای نجات خود هم که شده، نمی تواند وضعیت نه جنگ و نه صلح را در زمانی طولانی ادامه دهد. اگر طرفین نزاع آنگونه که ادعا دارند خواهان جنگ نیستند، چاره ای ندارند، جز این که سرانجام پای میز مذاکره بروند. تردیدی نیست که وقوع حوادث غیر مترقبه پیش رو، می توانند این روند را کند یا تسریع کنند.

## محاكمة کارگران و اعضای تحریریه نشریه گام، یک رسوایی دیگر برای رژیم

تجمع اعتراضی اول ماه مه را نیز، همچنان در بازداشت نگهداشته است. دستگاه سرکوب رژیم، در جریان تجمع اعتراضی اول ماه مه حدود ۵۰ تن از کارگران و حامیان جنبش کارگری را بازداشت کرد. اغلب آن ها با قرار وثیقه و کفالت به طور موقت آزاد شده اند. اما رژیم از آزادی عاطفه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری سرباز زده و تاکنون بدون هرگونه توجیهی مانع آزادی آن ها شده است. در اعتراض به این وحشیگری رژیم، مرضیه امیری مکرر به اعتصاب غذا متوسل شده است. انیسا اسدالهی نیز که پس از دستگیری در تجمع اعتراضی روز کارگر بعد از سه روز بازداشت موقت با کفالت ۳۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شده بود، روز ۲۸ خرداد مجدداً بازداشت شد.

این تلاش های مذبحخانه رژیم راه بهجایی نخواهد برد. بهجای هر مبارزی که توسط رژیم به اسارت گرفته می شود، صدها و هزاران مبارز شجاع به پا می خیزند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با اتهامات موهوم و ساختگی از نمونه "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی"، "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام"، "توهین به مقام رهبری"، "نشر اکاذیب به قصد تشویش علیه اذهان عمومی"، "اخلال در نظم عمومی از طریق حضور در تجمع های غیرقانونی" در تدارک محاکمه اعضای پرونده نیشکر هفت تپه در ۱۲ مرداد برآمده است. اما این اتهامات جز اسم رمز برای حراست از نظم پوسیده موجود، پاسداری از استبداد، دفاع از سرمایه داران و دستگاه مرتجع و انگل مذهبی چیز دیگری نیست. روشن است که تحت حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، مبارزه کارگر برای کسب حقوق خود، اخلال در نظم عمومی، اقدامی علیه امنیت سرمایه و ارتجاع حاکم است. دفاع و حمایت از مبارزان و مطالبات کارگران و تبلیغ برای آن ها، تبلیغ علیه نظام و سران مرتجع آن و تشویش اذهان عمومی اعلام شود. اما بی تردید این محاکمه نیز به یک رسوایی دیگر برای رژیم تبدیل خواهد شد.

باید این محاکمه را به محاکمه های علیه خود رژیم تبدیل کنیم و این دادگاه را بر سر برپا کنندگان آن خراب کنیم. قبل از هر چیز این وظیفه کارگران هفت تپه است که همراه با برپائی این دادگاه فرمایشی رژیم استبدادی، به هر شکل ممکن اعتراض خود را به محاکمه اسماعیل بخشی نماینده و مدافع سرسخت منافع کارگران، علی نجاتی عضو مبارز سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و دانشجویان و روزنامه نگارانی که به جرم دفاع از مبارزات و مطالبات کارگران نیشکر به محاکمه کشیده می شوند، ابراز دارند. وظیفه هر انسان مبارز آزادیخواه و سوسیالیست است که ضمن ابراز همبستگی با این مبارزان و خانواده های آنها، در تجمعات اعتراضی مقابل زندان و دادگاه های رژیم، خواستار آزادی بی قید و شرط آن ها شود. باید تمام امکانات تبلیغی و شبکه های اجتماعی را به سنگری دیگر علیه برپائی این دادگاه و برای آزادی دستگیرشدگان تبدیل کرد.

تهران و حومه بار دیگر در ۲۷ تیرماه با صدور بیانیه ای خواهان آزادی اسماعیل بخشی و حامیان بازداشتی اعتراضات کارگران هفت تپه شد. در این بیانیه با اشاره به موج تهدید و احضار کارگران معترض به دادگاه، در پی اعتراضات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و بازداشت اسماعیل بخشی و گروهی "از حامیان طبقه کارگر که اخبار اعتصاب را پوشش و در حمایت از کارگران قلم می رانند"

آمده است: "همگی بازداشت شدگان باید فوری و بی قید و شرط آزاد گردند و تعقیب قضایی از آنان و علی نجاتی عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و عسل محمدی که در همین ارتباط به قید ضمانت آزاد هستند، باید متوقف شود."

جمعی از فعالان کارگری و اجتماعی شهر سنجند از مطالبات برحق زندانیان نیشکر هفت تپه و اعضای نشریه گام حمایت کردند و پرونده سازی و بازداشت آن ها را محکوم می کنیم.

گروهی از فعالان کارگری گیلان با صدور بیانیه ای اعلام کردند: "همگام و همصدا با رفقایمان در تبریز، سنجند و سایر مناطق ایران، ادامه ی بازداشت فعالین کارگری هفت تپه را محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط آن ها و همه ی فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم." آن ها نوشتند:

"چند ماه از دستگیری و شکنجه ی اسماعیل بخشی، این نماینده ی شجاع و صادق هفت تپه می گذرد. جرم اسماعیل بخشی چه بود که این چنین مدافعان سرمایه را خشمگین ساخته و با حبس و شکنجه در حال انتقام گیری از او و سایر فعالین کارگری هستند؟ گناه نابخشودنی شان، انعکاس صدای اعتراض کارگران گرسنه و دردمند هفت تپه بود. علی نجاتی، سپیده قلیان، امیر امیرقلی، ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی فرد و عسل محمدی به همین دلیل با واکنش قهری حاکمیت مواجه شده و در اسارت به سر می برند."

در ۲۲ تیر، چهار تن از دبیران کانون نویسندگان به دیدار خانواده ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد رفتند و همبستگی خود را با بازداشت شدگان اعلام کردند. کانون نویسندگان با صدور بیانیه ای ضمن محکوم کردن بازداشت اعضای تحریریه نشریه گام خواستار آزادی آن ها شد.

سازمان عفو بین الملل نیز روز پنجشنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۸، با انتشار بیانیه ای خواستار آزادی بی قید و شرط خبرنگارانی شد که صرفاً به دلیل پوشش خبری اعتراضات کارگران هفت تپه بازداشت و در زندان هستند.

شبکه های اجتماعی نیز به عرصه دیگری از کارزار حمایت از اسماعیل بخشی، علی نجاتی و اعضای تحریریه نشریه گام تبدیل شده است. ارتجاع حاکم که از روحیه رزمنده و سازش ناچیز طبقه کارگر به وحشت افتاده است، سیاست سرکوب کارگران و فعالان کارگری را تشدید کرده است. علاوه بر ادامه بازداشت اعضای پرونده هفت تپه، تعدادی از شرکت کنندگان در

## مجاهدین خلق و مشتی شعار توخالی تکراری و خودفریبی



این شیوه‌ها و بند و بست‌ها و بریز و پاش‌ها به جزء مهمی از سیاست آن‌ها تبدیل شده است. مجاهدینی که توانسته‌اند پس از رانده شدن از عراق ظرف یک سال و نیم در آلبانی البته به یاری پول‌های بادآورده دولت‌ها و محافل امپریالیستی و ارتجاعی مانند دولت عربستان، برای خود شهرک و قرارگاهی دست و پا کنند که همه "ضروریات زندگی" در آن مهیا باشد. خصوصاً آن‌که تالاری را هم بنا کرده‌اند که "نماد ورودی آن" با "تالار بهارستان در تهران" مشابهت دارد و "سمبلی از تاریخ سیاسی ایران در اشرف ۳ است!"

می‌بینید که مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت آن‌ها فکر همه چیز را کرده‌اند. فقط این نیست که برای مردم رئیس‌جمهور تعیین کرده‌اند، بلکه از "نمای تالار بهارستان تهران" نیز غافل نبوده‌اند. گفتنیست که در حاشیه اجلاس مجاهدین، کنفرانس‌هایی مانند کنفرانس "زنان در مقاومت ایران" و کنفرانس "ادخواهی" نیز برگزار شد که در آن به گفته خودشان به "دیکتاتوری شیخان"، "نه" گفتند.

سازمان مجاهدین خلق پس از پایان این اجلاس نیز تبلیغات گسترده‌ای را سازمان داد و چندین روز پیاپی از دستاوردهای آن سخن گفت. مجاهدین از قول واشنگتن تایمز در مورد این اجلاس نوشتند، "کانون جغرافیایی مقاومت جهانی علیه رژیم جنایتکار ایران متولد و ایجاد شد" سازمان مجاهدین شرکت "شخصیت‌ها" و حمایت آن‌ها از مجاهدین و همچنین برپایی تجمعاتی در بروکسل و برلین و بعدتر در استکهلم را "تغییری در تعادل قوای سیاسی و عبور از یک نقطه عطف" خواند.

در سایت مجاهدین، خیال‌پردازی‌های تکراری و کودکانه و جمله‌پردازی حول این اجلاس از این هم فراتر رفت. دقت کنید: "منظومه‌ای در اشرف ۳ شکل گرفت که در سال‌های پایداری و نیز سال‌های حضور مقاومت در خارج از ایران بی‌نظیر بود. منظومه‌ای که گویی تمام ایران دستان همگان را گرفته و آنان را برای دیدار خاطرات و شنیدن قصه‌هایش در اشرف می‌گرداند!"

تا دلتان بخواهد از این جملات و واژه‌های دهن‌پرکن و پرطمطراق "منظومه کیهان ۹۸" را باید گل دادن ۱۴ سال پایداری باشکوه برای آزادی در اشرف و لیبرتی دانست که انرژی متکاتف آن پایداری را چون ظهور ناگهانی شهابی و چون کوکبی شب‌کوب ظلام سلطه‌گری

"آزادخواهانی" از نوع بوش و ترامپ و جولیان را که همه جهان شاهد بوده‌اند که چگونه آزادی‌خواهان و انقلابیون را بطور وحشیانه به شلاق و به خون کشیده‌اند، هیچ بخشی از مردم ایران را فریب نمی‌دهد. مسأله مجاهدین البته مردم و باور مردم نیست. مجاهدین سال‌هاست که روی مردم ایران حساب نمی‌کنند و توده مردم در سیاست‌ها و تاکتیک‌ها و استراتژی این سازمان جایی ندارند. مهم نیست که مردم این حرف‌ها را باور می‌کنند یا نه. مهم این است که مجاهد اجلاس‌های پر زرق و برق سالانه برگزار کند، حمایت مهره‌های دولت‌های امپریالیستی و ارتجاعی بانام و نشان و یا حتا بی‌نام و نشان را جلب کند و با تبلیغات شغف‌انگیز و ایجاد حالت نشنگی که باید تا نشست بعدی کش داده شود، مریدان مسعود و مریم رجوی رهبران غائب و حاضر مجاهدین را به خود مشغول کند.

مریم رجوی در نطق افتتاحیه خود به تلاش اعضای مجاهدین خلق در برپاساختن قرارگاه مجاهدین در آلبانی اشاره کرد، که یک قطعه زمین را که ۲۰ ماه قبل به آن منتقل شدند را به یک مرکز بزرگ که تمامی مراکز و ضروریات زندگی را دارد و "پنیرای گردهمایی سالیانه اپوزیسیون ایران است" تبدیل کردند. او گفت این "شروع جدید از راهپیمایی بزرگ میلیونی آزادی است!"

جالب است که بدانید این تلاش‌ها، تقدیر و تمجید و تعجب مهمانان مریم رجوی را نیز برانگیخت. رودی جولیان در دیدار با مریم رجوی، ضمن تقدیر از شخص وی گفت: "سازندگی اشرف ۳ در این فاصله کوتاه برایم باور نکردنی است!" او گفت "این نشان از توانایی مجاهدین برای بازسازی ایران است." جوزف لیبرمن نیز ضمن آن‌که گفت، یک دستورات است اما از اقدامات ترامپ و تحریم‌ها حمایت می‌کند و آن را اقداماتی قهرمانانه می‌داند، ساخته شدن این قرارگاه در مدت زمان کوتاه را مورد "تقدیر" قرار داد. برنارد کوشنر وزیر خارجه پیشین فرانسه، پا را از این هم فراتر گذاشت و شهرسازی اشرف ۳ را یک "شاهکار" خواند و ایضا آن را نشانه شایستگی مجاهدین برای بازسازی یک کشور خواند. این مجیزگویی‌ها البته همه جا با تعریف و تمجید از شخص مریم رجوی همراه بود. وی خطاب به مریم رجوی گفت: "شما نمونه بارزی در استقامت و بی‌همتا برای زنان در جهان هستید!"

تا دلتان بخواهد تعریف و تمجیدهایی از این نمونه. همه بر وفق خواست مجاهدین خلق که به همین تعریف و تمجیدها دل خوش کرده‌اند سخنرانی کردند. این‌طور به نظر می‌رسد که میان شدت و ضعف تعریف و تمجید از مجاهدین و مریم رجوی با مبالغ دریافتی سخن‌ران‌ها ارتباطی وجود دارد. مبالغ دریافتی هر چه بالاتر، تعریف و تمجید هم غزاتر و افزون‌تر! مجاهدین خلق نه فقط به این شیوه‌ها و تعریف و تمجیدها دل خوش و به آن عادت کرده‌اند، بلکه

بین‌المللی" از ۵۰ کشور و سه هزار تن از اعضای مجاهدین و مخالفان رژیم شرکت داشتند. مریم رجوی این اجلاس را "یکی از مهم‌ترین تجمعات سالیانه مقاومت" خواند. از جمله "شخصیت‌های شرکت‌کننده در این اجلاس که همگی وظیفه داشتند در ازاء وجوه و هدایای دریافتی کلان، از مجاهدین و شورای ملی مقاومت آن‌ها حمایت کنند، می‌توان از این افراد یاد نمود؛ رودی جولیان شهردار سابق نیویورک، وکیل شخصی دونالد ترامپ که در عین حال وکالت رضا ضراب از مسئولان پولشویی جمهوری اسلامی در ترکیه را نیز برعهده دارد و پای ثابت نشست‌های سالانه مجاهدین است. گتی ایمپج وزیر کشور سابق آمریکا، جورج کیسی ژنرال سابق ارتش آمریکا، جوزف لیبرمن معاون کاندیدای ریاست جمهوری سابق آمریکا، لانس گودن عضو کنگره آمریکا، تدپو و دوهوارباکر از اعضای سابق کنگره آمریکا، لونیس فری مدیر سابق اف بی آی، اینگرید بتانگورد نامزد سابق ریاست جمهوری آمریکا، برنارد کوشنر وزیر خارجه پیشین فرانسه، استفان هارپر و جان برد نخست‌وزیر و وزیر خارجه سابق کانادا، پانکی مایکو نخست‌وزیر پیشین آلبانی و چندین دوجین دیگر از همین قماش. در این اجلاس اگرچه ظاهراً شاهزاده ترکی فیصل رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی حضور نداشت، اما جای وی را "شخصیت‌های مشابهی پر کرده بودند. بسیاری از این "شخصیت‌ها" در تعریف و تمجید از مجاهدین و مریم رجوی، باید به حضار یادآوری می‌کردند که "آلترناتیوی که در برابر رژیم تروریستی جمهوری اسلامی وجود دارد، شورای ملی مقاومت به رهبری خانم رجوی است." رودی جولیان علاوه بر این، مجاهدین خلق را "جنگجویان آزادی" نامید. وی همچنین رهبران حکومت اسلامی را به "قتل‌عام و جنایت علیه بشریت متهم کرد" و چنین اعلام کرد "آمریکا در کنار مردم ایران است و از مبارزه برای آزادی حمایت می‌کند!"

در این‌که رژیم جمهوری اسلامی و تمام رهبران و مسئولان اصلی آن، جنایات بسیار فجیعی را علیه مردم ایران مرتکب شده‌اند و بی‌استثناء تمام آن‌ها باید محاکمه و مجازات شوند و به سزای اعمال جنایتکارانه خود برسند، هیچ فرد آزادی‌خواهی شک و تردید ندارد و کسی بخواهد یا نخواهد، توده‌های مردم زحمتکش ایران با سرنگون ساختن رژیم حاکم آن را اجرا خواهند کرد. اما پرسش این است ادعای جولیان در مورد "بشریت" و "آزادی" که خود یکی از مهره‌های دستگاه امپریالیستی آمریکاست که جنایات فجیع و بسیار بزرگی در وینتام، کوبا، شبلی، افغانستان، عراق و در سرتاسر جهان مرتکب شده است و ناگهان به یاد مردم ایران افتاده است، واقعا چند درصد از مردم ایران را می‌تواند فریب دهد؟ روشن است که آزادی

## پرونده‌های فساد یا پرونده‌های "اختلافات خانوادگی" سران رژیم

چند روز پیش بود که وزیر بهداشت جمهوری اسلامی، از "کشف" یک فساد گسترده در وزارت بهداشت و درمان خبر داد. پس از آن، در اینستاگرامش نوشت: "شبکه‌های رانت، فساد و انحصار به هزار و یک رنگ از جیب ملت ارتزاق و داروی مورد نیاز مردم را در بازار سیاه عرضه می‌کنند، در انبارهای پبدا و پنهان احتکار می‌کنند و داروی تقلبی در بازار توزیع می‌کنند." وی حتی از کشف "هفت پالت داروی بدنسازی در گمرک" خبر داد که تاریخ مصرف آن‌ها گذشته است. یا خرید "کابل برق" به جای "استنت قلب" با ۲ میلیون یورو ارز دولتی. خبری که نمونه‌های مشابه آن در رسانه‌ها کم نیست، مانند کشف مقادیری لوازم پزشکی و دارویی به ارزش ۵۲ میلیون تومان در انباری در شهر بافت در اوایل تیر ماه امسال.

باری به گفته نمکی، وی پس از تصدی پست وزارت این وزارتخانه، دو "کانون فساد" را در وزارت بهداشت "کشف" کرده است: "هیئت امنای ارزی" و "سازمان غذا و دارو" را. وی همچنین مدعی شده است: "مبارزه با فساد از دستورات اصلی وزارت بهداشت" است. مقایسه دو خبر زیر، هم علت کشف "کانون‌های فساد" در وزارت بهداشت را آشکار می‌کند و هم "جنیت" جناب وزیر در "مبارزه با فساد" را. در خبر اول، گفته می‌شود شماری از نمایندگان مجلس به دلیل "عمکرد وزیر بهداشت و ضعف‌های مدیریتی، عدم نظارت دقیق در تولید و واردات دارو، مشکلات مربوط به کمبود دارو" و موارد دیگر به دنبال استیضاح او هستند؛ در حالی که نمکی مدعی است "ماfiای قدرتمند فساد" با خرج ده‌ها میلیارد تومان علیه وزارت بهداشت تبلیغات می‌کند. پس علت کشف "کانون‌های فساد" در اختلافات جناحی است. در خبر دیگری نمکی از اولین اقدام خود پس از تصدی پست این وزارتخانه، یعنی برکناری غلامرضا اصغری از سمت ریاست سازمان غذا و دارو و عضویت وی در "هیئت امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران" می‌گوید! یعنی برای "مبارزه با فساد"، رئیس یکی از "کانون‌های فساد" را به "کانون فساد"ی دیگری منتقل می‌کند، آن هم پیش از تحقیقات و روشن شدن دامنه فساد و عوامل فساد. البته قوه قضاییه هم در "مبارزه با فساد" بسیار "جدی" است. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، خبر "دریافت رشوه از سوی مقام‌های دولتی و سوء استفاده از ارز دولتی دارو و لوازم پزشکی" را تأیید کرد ولی گفت که "سه متهم این پرونده با قرار وثیقه آزاد هستند." این همان قوه قضاییه است که کارگران و معلمان و دانشجویان و زنان و نویسندگان را به دلیل حق‌طلبی و اعتراض به شرایط وخیم معیشتی و خفقان و سرکوب بازداشت می‌کند، در شکنجه‌گاه‌ها به اسارت در می‌آورد و حتی حاضر نیست با وثیقه‌های سنگین برخی از آن‌ها را آزاد کند، اما فاسدان و محتکران و چپاولگران چند میلیونی و میلیاردری را آزاد می‌کند.

پشت اخبار مربوط به فساد در عرصه درمان و بهداشت، احتکار دارو، توزیع داروهای تقلبی و تاریخ مصرف گذشته، ارزهای "گمشده"، جان و مال ده‌ها هزار انسانی است که در پی کمیابی یا

افزایش سرسام‌آور هزینه‌های درمانی، دارایی ناچیز و حتا جان و سلامت خود را می‌پازند. آنچه که برای این سوداگران مرگ و سایر سران و نهادهای رژیم اهمیتی ندارد. در سال گذشته خبر کشف ۶ میلیارد تومان داروهای احتکاری و تاریخ مصرف گذشته توسط شبنم نعمت‌زاده، دختر وزیر سابق صنعت کابینه روحانی انتشار یافت. دادگاه در حکمی به ظاهر با مجازاتی "شدید" دستور داد که این سوداگر مرگ "با هزینه خود این داروهای تاریخ مصرف گذشته را معوم کند!" حکمی که معلوم نیست تا چه اندازه به اجرا گذاشته شده یا نشده است. گذشته از آن، معلوم نشد و نخواهد شد که این داروهای تاریخ مصرف گذشته، سلامت چند نفر را به خطر انداخته است، چند نفر را به کام مرگ فرستاده است.

در این پرونده فساد نیز، با نماینده همیشگی روبرویم: یکی از سران رژیم که در نقش "افشاگر" ظاهر می‌شود و با افشای "فساد بازیگران" پیشین یا کنونی، می‌کوشد با گمراه کردن اذهان مردم، سیستم را از فساد تبرئه کند. اما پرسش اصلی این‌جاست که آیا در وزارتخانه تحت نظر کابینه روحانی، این فساد رخ نداده است؟ مگر سیاست‌های ارزی و سازوکار واردات و توزیع دارو تحت نظارت ارز و وزرای معاونان کابینه نبوده و نیست؟ روحانی و وزرا و معاونان کابینه‌اش تا اکنون کجا بودند و چه کاره؟ اصولاً "ماfiای قدرتمند فساد" کیست؟ نقش سران و مدیران و رؤسای رژیم در این "ماfiای قدرتمند اقتصادی" که چون هیولایی هزار سر، یک روز از شهرداری‌ها، یک روز از مجلس، یک روز از وزارتخانه‌ها، یک روز از نهادهای نظامی و یک روز هم از نهادهای قضایی سربرمی‌آورد، چیست؟

به همین اخبار تیر ماه نگاهی بیندازید. در ۲۴ تیر ماه، نخستین جلسه رسیدگی به پرونده تخلفات پتروشیمی آغاز شد. پرونده‌ای که بیش از ۱۵ تا ۲۰ متهم دارد. ۱۱ تن از متهمان از کارکنان و کارشناسان وزارت صنعت معدن و تجارت هستند که ۳ نفر در تهران و ۸ نفر در لرستان در این وزارتخانه شاغل بوده‌اند. آنان با تخصیص "سه‌میه غیرقانونی مواد اولیه پتروشیمی" به میزان ۸۰ هزار تن و به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان سود برده‌اند. متهم ردیف اول این پرونده به جز آن یک میلیارد تومان، رشوه هم گرفته است. با وجود این ارقام، تنها یک نفر در بازداشت به سر می‌برد و ۱۰ متهم دیگر با قرار وثیقه آزاد هستند. این نحوه برخورد قوه قضاییه با متهمان به دزدی‌های چند میلیونی و میلیاردری است در حالی که اگر فردی از روی ناچاری و فقر دست به سرقت بزند، دست وی را قطع می‌کند. یکی دیگر از متهمان این پرونده به "اخلال در نظام اقتصادی به میزان ۶ میلیارد و ۶۵۶ میلیون یورو و تحصیل مال از طریق نامشروع به میزان ۷ میلیون و ۶۵ هزار و ۵۲۹ یورو"، خانم مرجان شیخ‌الاسلام است که در خارج از کشور به سر می‌برد.

پرونده دیگر، زمین‌خواری در منطقه لواسان و منطقه کلاک است. در این پرونده ۱ میلیون متر مربع از زمین‌های کشاورزی به مسکونی تغییر

کاربری یافته‌اند و ارزش آن‌ها یک شبه به میلیاردها تومان رسیده است. اکنون به رغم اعتراضات محیط زیست به تغییر کاربری و تخریب محیط زیست، در این ویلاهای تا چند هزار متری و به ارزش ده‌ها میلیارد تومان، برخی از سران سیاسی و نظامی و آفازده‌ها ساکن گشته‌اند. این موضوع به حدود ۱۵ سال پیش برمی‌گردد و در آن به جز شهردار و شورای شهر و دانشگاه، پای دفتر خامنه‌ای و ناطق نوری مسئول بازرسی آن زمان دفتر نیز در میان است. فروشندگان این زمین‌ها نیز "استاد اجرایی فرمان امام" بوده است. اکنون شهرکی چند هکتاری به نام "باستی هیلز لواسان" با ویلاهایی لوکس‌تر از کاخ‌های سعدآباد و نیاوران و محصور با دیوارهای بلند و ممنوع برای رفت و آمد شهروندان عادی ساخته شده است و شهرک دیگری به نام کلاک هم در دست ساخت و ساز است. مالک اصلی زمین‌ها، غلامحسین مطهری اصلی، رئیس هیئت مدیره شرکت "نوید زرشمی" و "امیرکبیر" و از افرادی است که روزنامه اقتصاد به آن‌ها لقب "ژنرال‌های تدبیر و امید" داده است. این فرد گویا سابقه زیادی در گرفتن مجوز ساخت و ساز دارد، از جمله زمین‌های باغ در اندرزگو در فرمانیه که در آن برج‌های "سانا" را ساخته است. البته در مواردی که آفازده‌ها رشوه‌های لازم را به مسئولان پرداخت نکرده‌اند، ویلاهایی که با هزینه‌های هنگفت ساخته شده‌اند، با لودر شهرداری تخریب شده‌اند، از جمله ۶ ماه پیش ویلای فرزندی یکی از سران سپاه که در سوریه بود، یا ویلای شبنم نعمت‌زاده، همان سوداگر مرگ که به گفته دادستان عمومی و انقلاب کرج در شهریور ۹۷، اصلاً احضار نشده است.

با مقایسه نحوه زندگی این چپاولگر میلیاردری، یعنی دختر وزیر سابق صنعت کابینه روحانی با سپیده قلیان و ساناز الهیاری و ده‌ها زن دیگری که به جرم دفاع از حقوق کارگران و محرومان جامعه در شکنجه‌گاه‌های رژیم اسپرند، درد و خشمی زبانه می‌کشد که یارای سخن گفتن از آن نیست. یکی از روزنامه‌نگاران در اسفند ۹۷ در گزارشی از این پرونده نوشت که در مجموع برای ۶۲ ویلای دو هزار متری مجوز صادر شده و در صدور این مجوزها، علی‌اکبر ناطق نوری و صادق لاریجانی "صحنه‌گردان" بوده‌اند. اما ناصر، کارگر ساختمانی، به گزارش "سرخ‌نیز" دو سال است که به دنبال گرفتن جواز در شهرداری نسیه‌شهر آواره است تا برای خود و ۳ فرزندش در یک زمین ۵۰ متری سرپناهی بسازد، اما شهرداری به دلیل "غیر بافت" بودن [سکونت‌گاه حاشیه‌ای] مجوز ساخت صادر نمی‌کند!

پرونده دیگر مطرح در این روزها، پرونده بانک سرمایه با بیش از ۷۰ متهم است. برادران ریخته‌مگران از متهمان این پرونده هستند که سابقه آن به سال ۹۲ بازمی‌گردد. در آن هنگام رسانه‌ها از "بازداشت عناصر یک شبکه فساد اقتصادی به اتهام اخلال در نظم اقتصادی" خبر دادند که با "سوء استفاده" از اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه خصوصی‌سازی، سهام برخی از شرکت‌ها از جمله پتروشیمی اصفهان و بیستون را با "روش‌های متقلبانه" خریداری کرده بودند. پتروشیمی اصفهان در سال ۹۲ تعطیل شد و برادران ریخته‌مگران هم ۴ هزار میلیارد ریال به پتروشیمی بیستون بدهکار شدند. در سال گذشته نیز جزئیاتی از واگذاری ۴۰ درصد از سهام بانک سرمایه از سوی محمدباقر

## پرونده‌های فساد یا پرونده‌های "اختلافات خانوادگی" سران رژیم

یک یا چند رقم از این اختلاس‌ها کافی است. قیمت چند ویلای ده‌ها میلیارد تومانی، برای کاهش معضل مسکن کافی است. برای حل مشکلات معیشتی معلمان، بازگرداندن اختلاس‌ها و غارت سپرده‌های معلمان در بانک سرمایه کافی است. بیهوده نیست که مردم شعار می‌دهند: "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می‌شه". تازه این گوشه‌ای از اختلاس‌هاست. ارقام واقعی به یقین بسیار کلان‌تر و نجومی‌تر هستند و تعداد اختلاس‌گران بسیار بیشتر به تعداد همه سران رژیم و خانواده و بستگان و رؤسا و مدیران و نظامیان سطح بالای نهادهای دولتی و نظامی.

با وجود ارقام کلان اختلاس و فساد، و با وجود "محاکمه" برخی از اختلاس‌گران و فاسدان در "دادگاه‌های" رژیم، اوضاع تغییر زیادی نخواهد کرد. چند نفری، اگر با پول‌های غارت شده، به خارج از کشور نگرزینند، چند سالی در زندان، اما در سلول‌های لاکچری و مجهز گزران عمر می‌کنند و بعد با دوباره به سیستم می‌پیوندند یا راه خارج را در پیش می‌گیرند تا در کنار خانواده به زندگی مرفه خود ادامه دهند. در این میان نیز سران رژیم به چپاول خود مشغولند و چند معاون و رئیس دیگر جای "خدمتگزاران" صدیق نظام اسلامی را می‌گیرند.

این تنها یکی از جنایات یکی از نهادهای جمهوری اسلامی علیه توده مردم، یعنی به غارت بردن حاصل دسترنج آن‌هاست. جنایات این نهاد بسیار است. از جمله سرکوب مستقیم و به بند کشاندن افرادی چون سپیده قلیان‌ها و سناز الیغاری‌ها و امیر میرقلی‌ها و آنتینا اسداله‌ی‌ها و رضا نجاتی‌ها و اسماعیل بخشی‌ها و مرضیه امیری‌ها و صدها زندانی سیاسی گمنام دیگر که در اعتراض به این وضعیت به زندان افکند شده‌اند، شکنجه می‌شوند و اگر در پی اعتصاب غذاها و شرایط وخیم زندان‌ها و آب‌وش و لات‌های مزبور رژیم در زندان، زنده از زندان بیرون بیایند، جوانی و سلامت خود را... اما، نه صبر کنید. اوضاع دیگر به روال سابق نخواهد گذشت. آن دوران گذشته است. اکنون جامعه دیگر در دوران رکود سیاسی و در توم "اصلاح‌طلبی" به سر نمی‌برد. با وجود فروکش موقت موج اعتراضات، خیابان‌ها و کارخانه‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها همچنان زنده‌اند و رژیم با همه وحشی‌گری نیروهای سرکوبش نتوانسته بحران انقلابی را فروبنداند و سکوت گورستان را حاکم سازد. افشای همین تعداد از پرونده‌های فساد، نشان‌گر تشدید تضادهای جناح‌های حاکم در پی عروج امواج ناراضی و اعتراضات و کارگران و زحمتکشان و هراس از آینده خود است. بسیاری از زندانیان سیاسی کنونی، کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، روشنفکران و آزادی‌خواهان و صدها زندانیان سیاسی گمنام دیگر، خود از سویی حاصل این مبارزات‌اند و از سویی دیگر موتور پیشبرنده این مبارزات. اگر تتی از مبارزان در زندان به اسارت گرفته شده‌اند، جای هر یک را دیگری را پر شمارتر خواهند گرفت. سرانجام این رژیم سرکوب و چپاول، این رژیم فقر و بیکاری و ده‌ها معضل اجتماعی را سرنگون خواهند کرد و این فرزندان برومند و شایسته را از زندان‌ها رها خواهند ساخت و جنایتکاران واقعی را به زندان‌ها و محاکم مردمی خواهند سپرد تا مجازات شوند. شاید نه فردا یا هفته دیگر، اما به زودی.

خانوادگی" نامید که نباید "بیگانگان" از آن مطلع شوند.

طبری در ۲۰ سال گذشته سمت‌های بالایی در قوه قضاییه داشته است، تا پیش از برکناری‌اش بسیاری از پروژه‌های تفریحی و اقتصادی و ساخت و سازهای قوه قضاییه، تحت نظارت او انجام می‌شده است. عرصه‌ای که بستر مناسبی برای فساد و چپاولگری محسوب می‌شود. یکی از فعالان رسانه‌ای در یک فایل صوتی از زندان از قول رسول دانیال‌زاده، معروف به "سلطان فولاد" و "صاحب قصر فرماتیه" و از ایربدهکاران بانکی با یک پرونده ۲۶۰۰ میلیارد تومانی، می‌گوید: وی یک پنت‌هاوس ۱۱۰۰ متری در برج فلورا به اکبر طبری و یک آپارتمان ۷۰۰ متری به عباس جعفری دولت‌آبادی رشوه داده است. وی در این فایل صوتی، طبری را "سلطان پشت پرده نشینی و نقش‌آفرینی" و "ترمینال شیخ صادق امل و شیخ اکبر نور" می‌نامد. همان ناطق نوری که اکنون در پرونده ویلاهای کلاک نامش به میان آمده است.

امام جمعه لواسان نیز در یک برنامه تلویزیونی درباره نقش طبری در زمین‌خواری لواسان می‌گوید: "در دوره قبلی قوه قضاییه، یک نفر آمد یکسری اطلاعات از وضعیت اسفناک کلاک و زمین‌خواری‌های آنجا به من داد. ۲ روز بعد همین آقای طبری که خودش اخیرا دستگیر شده، گفت این آقار دستگیر کنید."

اکنون باید منتظر ماند تا شاید با دستگیری طبری، گوشه‌ای از "مسئله خانوادگی" فساد مالی در قوه قضاییه در سایه اختلافات و کشاکش‌های جناحی برملا شده و "بیگانگان" یعنی توده مردم از گوشه‌ای از فساد گسترده در سیستم قضایی رژیم جمهوری اسلامی مطلع شوند. اما خوش‌بینی است اگر انتظار داشت نقش دانه درشت‌ترهای این پرونده مانند لاریجانی یا اکبر نوری یا سایر مقامات حکومتی افشا شود یا پرونده‌های علیه آن‌ها گشوده شود. در همین تیر ماه، این خبر در رسانه‌ها منتشر گردید که برای یکی از نمایندگان مجلس به نام "محمد عزیزی" نماینده ابهر و معروف به سلطان پوشک، یک قرار وثیقه ۵ میلیارد تومانی صادر شده است و چون وی از تأمین وثیقه خودداری کرده است، روانه زندان اوین شده است. دادستان تهران، از بازپرس می‌خواهد قرار وثیقه را به قرار "التزام به حضور با قول شرف" تقلیل دهد. نماینده وقیح این را نیز نمی‌پذیرد. سرانجام ظهر ۲۰ تیر، دادستان به بازداشتگاه می‌رود تا او را راضی کند به منزل "تشریف" ببرد!

اگر دادستان تهران با یک نماینده مجلس که احیانا "خودی" است چنین رفتاری می‌کند، روشن است که افرادی مثل لاریجانی و نوری با آن که نتست رسوایی آن‌ها از بام افتاده است، حتا احضار هم نمی‌شوند، چه رسد به محاکمه. رقم این اختلاس‌ها را مقایسه کنید با بودجه‌های لازم برای بازسازی و جبران خسارت، مثلا یک نمونه سلیزدگان اخیر. به گفته مدیر کل مدیریت بحران وزارت جهاد کشاورزی، در ۲۹ تیر، سیل ۱۳ هزار و ۷۱۰ میلیارد تومان به بخش کشاورزی خسارت زده است. برای جبران خسارت کامل کشاورزان تنها

قابلیف، شهردار وقت تهران، به بهروز ریخته‌گران آشکار شد. اما پس از بروز اختلاف بین بانک سرمایه و شهرداری، کمیته داوری تشکیل شد که در این کمیته عزت‌الله ضرغامی، رئیس سابق صداوسیما و از نزدیکان خامنه‌ای، نماینده ریخته‌گران بود. در سال ۹۵ پرونده‌ای علیه گروه ریخته‌گران با ۴۵ متهم و ۱۰ اتهام تشکیل شد و همان زمان نیز خبرگزاری فارس گزارش داد که یکی از دو برادر ریخته‌گران در آستانه خروج از کشور با ۱۰ جمدان با محتویاتی به ارزش ده‌ها میلیارد تومان بازداشت شده است. سرانجام، دستگاه قضایی رژیم در تیر ۹۷ برای دو متهم اصلی این پرونده حکم ۱۵ سال زندان و رد مال به میزان ۲۵۹ میلیارد تومان و ۲۶ میلیون یورو را صادر کرد. البته محکومان این پرونده هیچ‌گاه به زندان انداخته نشدند. اکنون نیز در پرونده بانک سرمایه مجدداً پای برادران ریخته‌گران به میان کشیده شده است. طبق اطلاعات تاکنون، مجرمان این پرونده ۱۴ هزار میلیارد تومان پول معلمان را بالا کشیده‌اند و اکنون ده‌ها تن از مسئولان رژیم، در راهروهای قوه قضاییه در صف محاکمه ایستاده‌اند. از دیگر نام‌های مطرح در این پرونده، درویش نوری، رئیس دفتر علی اکبر ناطق نوری، در زمان ریاست وی در مجلس ارتجاع اسلامی است.

محاکمه فاسدان و محتکران و "اخلال‌گران اقتصادی" توسط قوه قضاییه؟ خبر دیگر مربوط به فساد، اتفاقا خبر جدیدیست است مربوط به قوه قضاییه، یعنی خبر دستگیری اکبر طبری، معاون اجرایی پیشین ریاست قوه قضاییه. با افشای شایعه دستگیری وی، دفتر آملی لاریجانی، با انتشار بیانیه‌ای "اتهامات علیه معاون اجرایی پیشین قوه قضاییه" را تکذیب کرد و آن را "پروژه تخریب" رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خواند، چرا که با رفتن از قوه قضاییه به مجمع تشخیص مصلحت او را نیز بعد از برکناری با خود برده بود. دو هفته بعد از این تکذیبی، شایعه دستگیری به خبر رسمی بدل گشت. صادق آملی لاریجانی در اسفند ۹۷ و شش ماه پیش از پایان موعده سنتی ۱۰ ساله از ریاست قوه قضاییه کنار رفت یا برکنار شد و به ریاست مجمع تشخیص مصلحت منصوب شد. ابراهیم رئیسی جانشین او هفت روز بعد از آغاز به کارش، اکبر طبری را از سمت خود برکنار کرد. فعلا سخنگوی قوه قضاییه اتهامات طبری را "اعمال نفوذ در پرونده‌ها" و "روابط ناتواب" اعلام کرده است. اما در همه جا سخن از نقش او در فساد گسترده در دستگاه قضایی است. فساد که سابقه‌ای ۳۰ ساله داشته و گوشه‌ای از آن در افشای ۶۳ حساب شخصی صادق لاریجانی، رئیس پیشین قوه قضاییه، از پرده بیرون افتاد و بر همگان آشکار گشت. حساب‌های بانکی جهت واریز قرارهای وثیقه و تودیع خسارات، با موجودی هزار میلیارد تومان و سود ماهانه ۲۲ میلیون تومان که همان زمان این اتهامات از سوی رئیس قوه قضاییه، یعنی صادق لاریجانی تکذیب شد، هیچ‌گاه پرونده‌ای جهت رسیدگی به این اتهامات گشوده نشد و حتا در ۱۸ آذر ۹۸، دادستان کل کشور، محمد جعفر منتظری، اتهامات وارده به ریاست قوه قضاییه را "مسئله‌ای

## "اصلاح بودجه" با چه هدفی و در خدمت چه کسانی است؟

سران قوا" این تغییرات بر ۴ محور استوار است: ۱- تقویت نهادی بودجه ۲- هزینه‌کرد کارا ۳- درآمدزایی پایدار ۴- ثبات‌سازی اقتصاد کلان و توسعه پایدار". براساس این مصوبه، این تصمیمات باید در قالب برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت به اجرا درآیند. براساس اطلاعات قلمرومچکانی که تاکنون منتشر شده در محور "هزینه‌کرد کارا" مساله "کاهش هزینه‌های بیمه سلامت"، "اصلاح نظام یارانه‌ها و بیمه یارانه بیمه سلامت، یارانه کشاورزی و یارانه تولید"، "اصلاح صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی"، در محور "درآمدزایی پایدار" موضوع "اصلاح نظام یارانه انرژی (بنزین، گازوئیل و برق)، اصلاح یارانه کالاهای اساسی، کاهش معافیت‌ها و افزایش پایه و پوشش مالیاتی"، "فروش دارایی‌ها از طریق صندوق‌های EFT" و در محور "ثبات‌سازی اقتصاد کلان و توسعه پایدار" موضوع "انتشار اوراق ارزی و ریالی جهت سرمایه‌گذاری به همراه عملیات بازار باز" و "سازماندهی بدهی‌های دولت و اصلاح روابط با نظام بانکی، تامین اجتماعی و پیمانکاران" مطرح شده که باید اجرایی شوند.

اگر بخواهیم حواشی و رنگ و لعاب "اصلاح ساختار بودجه" را کناری انداخته و هسته واقعی آن را به نمایش بگذاریم، می‌بینیم که دولت برای کسب درآمدهای جدید به چند موضوع چنگ انداخته است.

اولین مساله حذف یارانه‌ها تا حد امکان است که به آن نام "اصلاح نظام یارانه‌ای" را داده‌اند. تا حد امکان" به این مفهوم که دولت می‌داند برای مثال نمی‌تواند قیمت بنزین را به یکباره چند برابر کند یا همین‌طور در رابطه با نان. اما محروم کردن هر چه بیشتر بخش‌هایی از جامعه از دریافت یارانه نقدی یکی از دستورات عمل‌ها می‌تواند باشد. دومین مساله افزایش درآمدهای مالیاتی، سومین مساله فروش اموال دولتی و چهارمین و آخرین راه حل فروش اوراق قرضه است.

حال به بررسی این موضوعات می‌پردازیم. ابتدا از تلاش دولت برای افزایش درآمدهای مالیاتی شروع می‌کنیم. موضوع افزایش درآمدهای مالیاتی مساله امروز و دیروز نیست و همواره در زمان تصویب بودجه‌های سالانه این مساله مطرح بوده است. اما واقعیت این است که با توجه به ساختار اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه، جمهوری اسلامی هرگز نخواهد توانست مانند برخی از دیگر دولت‌های سرمایه‌داری از جمله دولت‌های اروپایی درآمدهای بودجه را بر مالیات استوار سازد. توضیح کامل دلایل این مساله خود مطلب جداگانه‌ای را می‌طلبد، اما تجربه و ساختار بودجه در تمام این سال‌ها یک گواه و سند آشکار بر صحت این گفتار است. اگر

هم درآمدهای مالیاتی در طول این سال‌ها با افزایش روبرو بوده، در واقع به دلیل کاهش ارزش ریال است وگرنه به‌صورت واقعی درآمدهای مالیاتی افزایش نیافته‌اند. درآمدهای مالیاتی هنگامی می‌توانند به‌صورت واقعی افزایش یابند که این درآمدها متکی بر مالیات تصاعدی بر ثروت، ارث و دارایی‌ها و درآمدهای شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌داران باشد، چیزی که در جمهوری اسلامی فاسد، بازار غیرشفاف کنونی و قوانین اسلامی ممکن نیست. در واقع همین درآمدهای مالیاتی کنونی نیز در اشکال مالیات مستقیم و غیرمستقیم عموماً بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار دارد.

مثلاً یکی از طرح‌هایی که تاکنون از سوی مقامات حکومتی مطرح شده، گرفتن مالیات از کسانی است که در سال‌های گذشته سکه طلا از دولت خریده‌اند!!! اساساً مطرح شدن چنین طرح‌هایی نشان می‌دهد که دست دولت برای کسب درآمد تا چه حد خالی است. واقعیت مسلم این است که در شرایطی که رکود اقتصادی عمیق‌تر و قدرت خرید اکثریت بسیار بزرگ جامعه به شدت کاهش یافته است، درآمدهای مالیاتی نیز به همان میزان به‌طور واقعی کاهش خواهند یافت.

مساله بعدی فروش دارایی‌های دولتی از طریق صندوق‌های EFT است. صندوق‌های EFT مانند بازار بورس عمل می‌کنند. هدف دولت این است که شرکت‌های بسیار بزرگ مانند پالایشگاه ستاره خلیج فارس را که یکی از تولیدات مهم آن تولید روزانه ۴۵ میلیون لیتر بنزین است، این‌گونه به فروش برساند. ناگفته پیداست که چه کسانی قادر هستند سهام این شرکت‌ها را خریداری کنند. دولت با این کار در واقع شرکت‌های بزرگی را که اتفاقاً سودآور هستند، به مانند گذشته به سرمایه‌داران واگذار می‌کند (با این روش به‌ظاهر به تعدادی سرمایه‌دار که سهام آن‌ها را می‌خرند). در سال‌های گذشته، از جمله در بودجه ۹۸ نیز رقم قابل توجهی از درآمدها از فروش اموال دولتی به سرمایه‌داران تامین می‌شد، تشکیل صندوق‌های فوق در واقع تنها یک تغییر "شکلی" و نه محتوایی در واگذاری این شرکت‌ها به سرمایه‌داران است. تلاش دولت برای فروش هر چه بیشتر اموال دولتی و به بیان دیگر حراج اموالی که متعلق به کارگران و زحمتکشان و حاصل دسترنج آن‌هاست، بیش از هر چیزی نشان‌گر وضعیت مالی وخیم دولت است که حتا سودآورترین شرکت‌ها را در لیست حراج قرار داده است.

سومین مساله کسب درآمد از طریق فروش اوراق قرضه ارزی و ریالی است. در بودجه مصوب مجلس برای سال ۹۸ نیز میزان فروش اوراق قرضه (مشارکت) نسبت به سال گذشته ۱۴ درصد رشد داشته است. البته به گفته حسینی

نماینده مجلس و عضو کمیسیون برنامه و بودجه میزان فروش اوراق قرضه در اشکال گوناگون بسیار بیشتر از ۴۴ هزار میلیارد تومان است. به گفته‌ی وی در بودجه ۹۸ در اشکال گوناگون به ارگان‌های متعدد دولتی اجازه فروش اوراق قرضه داده شده که در مجموع آن را به رقم ۹۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان می‌رساند. واقعیت این است که در سال گذشته نیز دولت با فروش اوراق قرضه ارزی و ریالی با مشکل روبرو شده و در مواردی نتوانسته بود تمام آن‌ها را به فروش برساند. علت آن نیز روشن است. سرمایه‌داران در سال‌های اخیر ترجیح می‌دهند تا پول‌های خود را به شکل دلار از کشور خارج کرده و یا در کشورهای دیگر به شکل خرید خانه و غیره نگاهداری کنند که عدم ثبات سیاسی رژیم یک دلیل آن است. دیگر تأثیر منفی فروش اوراق قرضه با توجه به تسهیلات بیشتری که نسبت به بهره بانکی دارد، خروج پول از بانک‌هاست که هم اکنون نیز با بحران مالی روبرو بوده و بسیاری از آن‌ها به‌صورت واقعی ورشکست هستند. افزایش نقدینگی یکی دیگر از نتایج مخرب فروش اوراق قرضه است. از هر سو که به این مساله و ابعاد آن نگاه کنیم تأثیرات مخرب آن را در تشدید رکود و تورم می‌بینیم. بیهوده نبود که محمدرضا باهنر چندی پیش گفته بود اگر همین روال در فروش اوراق قرضه طی شود، در سال‌های آینده میزان بدهی دولت بابت اوراق قرضه از میزان کل بودجه نیز فراتر خواهد رفت.

اما چهارمین موضوع مساله‌ای است که حاکمان از آن به عنوان "اصلاح نظام یارانه‌ای" یاد کرده و هدف آن را رسیدن یارانه به مصرف‌کننده اعلام می‌کنند. دروغی که همگان بر آن آگاهند. بدیهی‌ست که هرگونه افزایش قیمت کالاهایی همچون بنزین، برق و مانند آن‌ها تأثیر مستقیمی در افزایش تورم و در نتیجه فقر باز هم بیشتر بیش از ۹۰ درصد جامعه خواهد داشت. آن‌هایی که هم‌اکنون نیز دستمزد، مستمری و یا حقوق‌شان چندین برابر زیر خطر فقر است. دقیقاً به همین دلیل هم است که دولت سعی می‌کند تا آخرین لحظه ابعاد این تغییرات را از چشم توده‌ها پنهان نگاه دارد. فاصله دستمزد با هزینه یک خانوار کارگری به اعتراف مقامات حکومتی در کمیته دستمزد "کانون عالی شوراهای اسلامی" ماهانه در حال افزایش است. براساس اعلام این ارگان حکومتی هزینه یک خانوار کارگری در خردادماه به حدود ۷ میلیون تومان رسید که بیانگر افزایش یک میلیون تومانی تنها در طی دو ماه است. بدیهی‌ست که با ادامه این روند و سیاست‌های دولت برای کسب درآمد بیشتر با حذف یارانه‌ها، این روند حتا از سرعت بیشتری برخوردار خواهد شد.

به‌گفته‌ی مقامات دولتی و براساس گزارش خبرگزاری "فارس"، کسری بودجه دولت بیش از ۱۴۳ هزار میلیارد تومان است. دولت اما برای کسب درآمد بیشتر و جبران کسری عظیم در صفحه ۹

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**



## مجاهدین خلق و مشتی شعار تو خالی تکراری و خود فریبی

## "اصلاح بودجه" با چه هدفی و در خدمت چه کسانی است؟

شیخان را در بهت و حیرت فرو برد!!  
و انبوهی از سخنان مشابه این که در بهترین حالت کارکرد آن از یک آنبات چوبی که برای مشغول ساختن کودکی که به دست وی می‌دهند بیشتر نیست.

اگر از حرف‌های تکراری، شعارهای تو خالی علیه "رژیم آخوندی" و "شیخ‌ها" و "افسارگسیختگی آخوندها" و خود فریبی بزرگی که مجاهد گرفتار آن است بگذریم و از تعریف و تمجید عمال و مهره‌های دول ارتجاعی و امپریالیستی برای ارضاء این جریان صرف‌نظر کنیم، اجلاس اخیر مجاهدین نیز چیز دیگری نبود جز یک مراسم کلیشه‌ای پر زرق و برق، عکس‌ها و فیلم‌های تکراری، فریاد تشویق و شادی شرکت‌کنندگان، کف‌زدن‌های مکرر برای مریم رجوی و لبخندهای مصنوعی و مسمزکننده رئیس‌جمهوری که برای مردم تعیین شده و مهارت وی در دست تکان‌دادن‌های تکراری و نمایشی و بالاخره نمایش لباس‌های رنگارنگ گران قیمت البته همه با روسری!

با وجود آن‌که صرف هزینه‌های سرسام‌آور تدارک اجلاس و دعوت از مدعوین و تجملات و بریز و بپاش‌ها و مخارج سنگین برای آرایش سالن‌ها و صحنه‌پردازی و نورپردازی، دستگاه فیلم‌برداری و غیره و غیره همه باید در خدمت مدرن جلوه دادن این اجلاس‌ها باشند، اما در اجلاس‌های مجاهدین و شورای ملی مقاومت آن، تفکیک جنسیتی بطور کامل و به سبک نماز جمعه رعایت می‌شود و زنان روسری پوش مجاهد در یک طرف و مردان در طرف دیگر سالن می‌نشینند و پس از پایان هر سخنرانی مریم رجوی، حاضرین از جا بلند می‌شوند و شعار می‌دهند "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "زنده باد ارتش آزادی!!"

مریم رجوی در این اجلاس البته از ضرورت "پاسخ قاطع بین‌المللی" به "افسارگسیختگی آخوندها" نیز سخن گفت. مجاهدین البته تاکنون به هزار و یک زبان از دولت آمریکا و دولت‌های اروپایی خواسته‌اند مصالحه با "آخوندها" را کنار بگذارند و برای سرنگونی آن‌ها وارد عمل شوند. ژنرال جیمز کانوی فرمانده سابق نیروی دریایی آمریکا نیز در جمع مجاهدین در همین اجلاس بر تشدید مجازات جمهوری اسلامی تاکید کرد. محمد محدثین مسئول کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت مجاهدین نیز پس از این اجلاس گفت، این نشست به معنای آمادگی مجاهدین برای سرنگونی رژیم است. اما از بداقبالی آن‌ها

ترامپ و دولت امپریالیستی آمریکا فعلا قصد سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارد. مجاهدین خلق باید به همین اجلاس‌های سالیانه و تجمعات اعتراضی از نوع بروکسل و برلین و استکهلم دل‌خوش باشند تا شاید روزی روزگاری و تحت شرایط جنگی ویژه‌ای دولت آمریکا تصمیم بگیرد به شکل فعال‌تری از مجاهدین استفاده کند. مجاهدین خلق عجالتا بایستی در اشرف‌ها مشق حکومت‌داری کنند به امید روزی که امپریالیسم آمریکا نقش مهم‌تر و بیشتری به این سازمان محول کند و همان کسانی که مجاهدین را در عراق خلع‌سلاح کردند، دوباره مسلح کنند و "مریم مهر تابان" را با سلام و صلوات به تهران ببرند! بنابراین "راهپیمایی بزرگ به سوی آزادی" که مریم رجوی از آن سخن می‌گوید، در واقع جز یک راهپیمایی نکبت‌بار و خفت‌انگیز برای بندگی و سرسپردگی بیشتر نیست.

امروز هر کس این را می‌بیند و می‌داند که سازمان بورژوازی مجاهدین خلق بازپچه دست دولت امپریالیستی آمریکا و دول ارتجاعی منطقه مانند عربستان سعودی شده است. کارگران و زحمتکشان ایران مستقل از اینکه مجاهد چه خیالاتی در سر می‌پروراند، در تدارک سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی و سرکوب‌گر جمهوری اسلامی هستند. کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، زنان و جوانان و عموم تهیدستان نه فقط برای سرنگونی ارتجاع حاکم مبارزه می‌کنند بلکه برسینه ارتجاع امپریالیستی و منطقه‌ای نیز دست زدند. افزون بر این‌ها مردم ایران در طی چهل سال، از تحولات سازمان مجاهدین بی‌اطلاع و غافل نبوده و ماهیت این جریان را نیز شناخته‌اند. مجاهدین از لحظه‌ای که مسعود رجوی سرنوشت این سازمان را به سرنوشت صدام حسین گره زد، پیش از آن‌که هنوز به دامان اربابان بزرگ‌تری پناه ببرد، فاتحه این سازمان را خواند. در حال حاضر نیز سازمان مجاهدین به‌طور واقعی نه نفوذی در میان توده‌های مردم زحمتکش ایران دارد و نه سیاست‌ها، تاکتیک‌ها و استراتژی این سازمان با وضعیت و خواست‌های مردم ایران خوانایی دارد. تمام سرنوشت مجاهدین خلق در گرو این است که دولت امپریالیستی آمریکا چه تصمیمی در مورد آن‌ها اتخاذ کند. از این روست که راهی ندارد جز آن‌که عجالتا با مشتی شعارهای تو خالی و تکراری و خود فریبی که در اجلاس‌های آن تجلی می‌یابد، سر کنند.

بودجه با پارادوکسی روبروست. از یک طرف تمامی راه‌های کسب درآمد به تورم، رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و گسترش فقر دامن می‌زنند و از سوی دیگر دولت به شدت از نارضایتی توده‌ها هراسان است. طول کشیدن تصمیم دولت تا هم اکنون (بهرغم آن‌که بحران مالی دولت از پیش نیز کاملا روشن بود)، عدم اجرای این راه حل‌ها و حتا علنی نکردن آن‌ها همه بیان‌گر این پارادوکس و ناتوانی دولت است. دولت از طرفی مجبور است به دلیل ترس از شورش‌های توده‌ای اقداماتی را برای تامین حداقل‌هایی برای معیشت اکثریت بسیار بزرگ جامعه صورت دهد و از طرف دیگر نتیجه عملی تصمیمات برای کسب درآمد و جبران کسری بودجه برخلاف آن است. بودجه‌ای که هدف اصلی‌اش نه رفاه جامعه، کارگران و زحمتکشان و نه توسعه اقتصادی کشور، بلکه سرپا داشتن دستگاه نظامی، مذهبی و بوروکراتیک است که تنها وظیفه‌شان حفظ نظم موجود، سرکوب و تحمیق توده‌ها و تداوم حکومت اسلامی است.

یک چیز اما روشن و غیرقابل تردید است. تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، زمان علیه منافع کارگران و زحمتکشان است. به این معنا که روز به روز فقر سایه خود را بیشتر و سهمگین‌تر بر سر کارگران و زحمتکشان فرود می‌آورد. تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است، سیاست‌های آن علیه منافع کارگران و زحمتکشان خواهد بود. تا زمانی که مناسبات سرمایه‌داری حاکم است، اقلیتی بسیار کوچک مرفه‌تر و ثروتمندتر و اکثریت بسیار بزرگ جامعه فقیرتر می‌شوند. بنابراین تنها راه واقعی برای کارگران و زحمتکشان سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت شورایی و بالاخره برقراری سوسیالیسم است. تمامی راه‌های دیگر سرابی بیش نیستند. زنده باد حکومت شورایی. زنده باد سوسیالیسم.



## "اصلاح بودجه" با چه هدفی و در خدمت چه کسانی است؟

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[https://t.me/fadaian\\_aghaliyat](https://t.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 831 July 2019

حضور نوبخت معاون روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه برگزار کرد تا اعضای آن از زبان وی در جریان "تصمیمات سران سه قوه" قرار بگیرند.

اگرچه سران جمهوری اسلامی از این طرح با عنوان "اصلاح ساختار بودجه" نام برده و دلیل آن را دستور خامنه‌ای برای ایجاد تغییراتی در ساختار بودجه اعلام کرده‌اند، اما با نگاهی مختصر به آنچه که تاکنون از این طرح منتشر شده، مشخص می‌گردد که تنها تغییر مهم که اتفاقاً به کارگران و زحمتکشان مربوط می‌شود، تغییر قیمت برخی از کالاها و کاهش "یارانه‌ها" است. همین مساله هم است که باعث شده تا این‌جای کار تمام این تصمیمات بدور از چشم کارگران و زحمتکشان گرفته شود.

براساس مصوبات "شورای هماهنگی اقتصادی درصفا ۸

با عدم تمدید معافیت‌های نفتی ۶ کشور برای خرید نفت از جمهوری اسلامی در اردیبهشت‌ماه سال‌جاری، مساله چگونگی کسب درآمدهای لازم برای تامین هزینه‌های ماشین عظیم نظامی، بوروکراتیک و مذهبی جمهوری اسلامی در دستور کار دولت قرار گرفت. تغییراتی عموماً علیه کارگران و زحمتکشان اما بدور از چشم آن‌ها.

به‌طور معمول اگر کابینه به دلایلی تغییراتی را در ارقام بودجه لازم ببیند، اصلاحیه‌ای برای بررسی و تصویب به مجلس می‌فرستد. اما این‌بار برخلاف همیشه، این تغییرات در جلسات "شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا" مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از تصویب کلیات آن در این "شورا" و با حضور سران سه قوه جمهوری اسلامی در ۲۲ تیرماه، مجلس اسلامی در ۲۳ تیرماه جلسه غیرعلنی با



تلویزیون دوکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰ پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

**دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴**

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

**جمعه: ۲۲ تا ۲۴**

**شنبه: ۲۲ تا ۲۳**

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر  
یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی